**( 138 )**

**هو الابهی**

ای سرگشته کوی الهی در این بیابان بی پایان سرگشته و سرگردان شو و در این سرمنزل اهل عرفان مسکن و مأوی جو از سرچشمه یقین ماء معین بنوش و از این شجره یقین ثمره علیین اقتطاف کن باب فیض مفتوحست و بشارات ملکوت غیب متتابع و مترادف چون بساحل بحر حیات رسیدی دامنی از اصداف لئآلی عنایت پر کن تا آن جواهر زواهر در اکالیل وجود باهر گردد و البهآء علیک و علی کل ثابت علی المیثاق (ع ع)

سلیل آن حبیب را بابدع اذکار و تکبیر اعظم ابهی مکبریم (ع ع)